



Volume 3, Issue 5, 2024

Legislator's Criminal Intervention in Currency Smuggling Based on the Principle of Loss

Mahmoud Isary¹, Firouz Mahmoudi Janki^{*2}, Seyed Mahmoud Majidi³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 95-107

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-6782-9484

TELL: +98 09123278031

Email: firouzmahmoudi@ut.ac.ir

Article history:

Received: 09 Jul 2023

Revised: 07 Oct 2023

Accepted: 10 Dec 2023

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

Criminal Intervention, Currency Smuggling, Economic Crimes, Loss Principle, Disruption in Economic System.

ABSTRACT

Intervention in the foreign exchange market, like any other economic issue, has always been a question whether the government has the right or can intervene in this field, and basically how can the criminal intervention of the legislator in currency smuggling be analyzed based on the principle of harm? The current article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned subject by using the library method. The findings indicate that the current criminal law has criminalized currency smuggling with the broad definition of it in the law and beyond an economic issue, it has also looked at it from a political and security point of view to the extent that such a crime is It has considered a condition of disruption in the economic system and has predicted the punishment of muharibeh for its perpetrators. Current criminal interventions in this field are only based on the principle of harm to prevent harm to others, both society and individuals, subject to conditions and justified in some cases. Because, from the point of view of Iran's policymakers and legislators, currency smuggling in the conditions of economic instability implies damage to the economy and individuals. From a critical point of view, this type of interventions, by ignoring the state's crime aspect which is derived from unjustified policies, programs and laws, focused only on the criminalization of individuals' behavior and the role of policies and decision-making institutions was ignored.



This is an open access article under the CC BY license. © 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Isary, M; Mahmoudi Janki, F; & Majidi, M (2024). "Legislator's Criminal Intervention in Currency Smuggling Based on the Principle of Loss" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 95-107.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه برای تطبیق

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

مداخله کیفری قانون گذار در قاچاق ارز بر مبنای اصل ضرر

محمود ایثاری^۱، فیروز محمودی جانکی^{۲*}، محمود مجیدی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).
۳. استادیار، گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

چکیده

مداخله در بازار ارز، مانند هر موضوع اقتصادی دیگر همواره محل پرسش بوده است؛ که آیا حکومت حق دارد یا می‌تواند در این زمینه مداخله کند و اساساً مداخله کیفری قانون گذار در قاچاق ارز بر مبنای اصل ضرر چگونه قابل تحلیل است؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که حقوق کیفری کنونی قاچاق ارز را با تعریف موسعی که در قانون از آن شده است جرم‌انگاری نموده و فراتر از یک موضوع اقتصادی، به آن از منظر سیاسی و امنیتی هم نگریسته است تا جایی که چنین جرمی را با شرایطی اخلاق در نظام اقتصادی دانسته و با برجسب معاند بر مرتکبان آن، مجازات محاربه برای آن پیش‌بینی کرده است. مداخله‌های کیفری کنونی در این زمینه تنها براساس اصل ضرر برای پیشگیری از ایراد زیان به دیگران، اعم از جامعه و اشخاص، مشروط به شروطی و در برخی از موارد توجیه شده است. زیرا، قاچاق ارز در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی، از منظر سیاست‌گذاران و قانون گذاران ایران متضمن ایراد صدمه به اقتصاد و اشخاص است. از منظر انتقادی این نوع مداخلات با نادیده انگاری وجه جرم دولتی که برآمده از سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین ناموجه است؛ صرفاً بر جرم‌انگاری رفتار اشخاص تمرکز کرده و نقش سیاست‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نادیده گرفته شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۰۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۴۸۴-۹۶۷۸۲-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۲۷۸۰۳۱

ایمیل: firouzmahmoudi@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

مداخله کیفری، قاچاق ارز، جرایم اقتصادی، اصل ضرر، اخلاق در نظام اقتصادی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

سال‌ها در حقوق کیفری ایران، یکی از رفتارهایی که همواره موضوع مداخله دولت قرار گرفته است، قاچاق ارز است. دولتی بودن اقتصاد، مدیریت دولتی بازار ارز و مشکلات متعدد اقتصادی و بین‌المللی موجب شده است که بارها در حوزه ارز مداخلاتی صورت گیرد که هرچند، باهدف کنترل بازار ارز انجام شده؛ ولی دخالت‌های پیاپی و نوبه‌ای و ناپایداری قوانین و سیاست‌های ارزی موجب شده است که همچنان این بازار ناپایدار و مستعد دخالت دولت باقی بماند. مداخله کیفری در بازار ارز یکی از رایج‌ترین دخالت‌های رسمی در این زمینه بوده است؛ با این‌که همواره کنترل رسمی رفتارها نیازمند توجیه معقول است، موجه‌سازی دخالت درحوزه اقتصادی و مالی بادشواری‌های بیشتری روبرو است؛ زیرا موجه‌سازی دخالت فراتر از ارائه استدلال در باب ضرورت تحدید حقا و آزادی‌های فردی مستلزم ارائه ادله کافی و معقول اقتصادی و مالی است. اگر بنیان ادله دسته نخست بیشتر از جنس فلسفی است، دومین دسته از دلایل توجیهی از جنس اقتصادی و مالی می‌باشد که از نوع نظام اقتصادی تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی و مالی را دربر می‌گیرد. طبیعی است که این نوع دلیل‌آوری ماهیتی تخصصی دارد و اگر در این مقاله به آن‌ها اشاراتی می‌شود بیشتر با وام‌گیری از متخصصان این حوزه از دانش است. به‌عبارت‌دیگر، توجیه دخالت‌های رسمی در بازار ارز به دلیل ماهیت رفتارهای ارتكابی، چندوجهی و میان‌رشته‌ای است و نمی‌توان با تکیه برادله صرف فلسفی یا حقوقی آن‌ها را مشروع و موجه نمود. به‌ویژه این‌که وقتی دخالت‌ها از نوع کیفری باشند، ضرورت توجیه مضاعف است؛ چراکه دخالت کیفری نه‌تنها رفتار خاصی را از دایره حقا و آزادی‌های فردی بیرون برده و درکنترل حکومت قرار می‌دهد، بلکه اشخاص را در معرض ده‌ها مداخله پیرامونی قرار می‌دهد که هر یک به‌خودی‌خود نوعی تحمیل و فشار است بر متهم؛ به‌گونه‌ای که ایراد اتهام به خودی خود، نوعی تحمیل دردناک پیامدهای خسارت‌بار است. افزون بر این، امنیتی شدن موضوعی که در آن دخالت کیفری می‌شود، آن‌گونه که گاهی شاهد آن بوده‌ایم که بازار ارز در فضایی امنیتی قرار گرفته است، بر آثار و پیامدهای خواسته و ناخواسته

مداخلات کیفری می‌افزاید تا جایی‌که، حتی با محدودسازی تضمین‌های مندرج در دادرسی کیفری بانام افتراقی‌شدن، متهمان پرونده‌های ارزی درکنار متهمان اقتصادی با تنگناهایی حقوقی بسیاری برای دفاع از خود مواجه می‌شوند. تلقی رسمی تاکنون این بوده که اگر دولت با تمام توان کنترلی خود به‌ویژه با استفاده از سازوکارهای کیفری اعم از جرم‌انگاری، تشدید کیفرها، تحدید حقوق دفاعی متهمان، سرعت بخشیدن به دادرسی در مقابل دادرسی در مدت‌زمان معقول و مانند آن می‌تواند یا باید بر نابسامانی بازار ارز فائق آید، از آن‌سو، دخالت‌هایی به این گستردگی با پرسش‌های بنیادین زیادی روبه‌رو است. دراین مقاله مبانی چنین مداخله‌ای مورد پرسش است؛ قانون‌گذاران کیفری با چه توجیهاتی رفتارهایی در بازار ارز را به‌عنوان قاچاق توصیف می‌کنند و مرتکبان آن‌ها را به دادرسی فرامی‌خوانند و تحت تعقیب و سپس اعمال کیفر قرار می‌دهند؟ در این مقاله پس از بررسی مختصر مفهوم مداخله کیفری و قاچاق ارز، مبنای این مداخله بر اساس اصل ضرر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم مداخله کیفری و قاچاق ارز

در این قسمت به بررسی مفهوم مداخله کیفری و قاچاق ارز پرداخته می‌شود.

۱-۱- مداخله کیفری و ضرورت آن

مداخله کیفری دارای دو سطح مضیق و موسع است. مداخله کیفری در یک معنا عبارت است از: دخالت دولت در نظام‌های اجتماعی، از طریق «جرم‌انگاری» و «وضع و اعمال ضمانت اجراهای کیفری»، باهدف ایجاد یا تداوم نظم و امنیت و رفاه اجتماعی (فیروزمنش، ۱۳۸۵: ۳۰). به‌عبارت‌دیگر مداخله کیفری شامل سه مرحله تقنین، رسیدگی قضایی و اجرای حکم است. در تعریف فوق مداخله کیفری در یک معنای مضیق تعریف شده است. لکن اگر بخواهیم «مداخله نظام عدالت کیفری» را تعریف کنیم باید در یک معنای وسیع‌تر این‌گونه تعریف نمود. مداخله نظام عدالت کیفری عبارت است از: «مجموعه‌ای از متون، آموزه‌ها، وجود و کارکرد تعدادی از کارگزاری‌های دولتی، درک این سازمان‌ها از جرم و مجرمان، ارتباط ویژه میان آن‌ها و رسانه‌های گروهی و ساختار قدرت

ابزارهای این نظام حقوقی (نظام حقوق کیفری) به دلیل این که قهرآمیز و اصولاً همراه خشونت است، مغایر با اصول اولیه و حقوق مبنایی انسانی همچون اصل آزادی و اختیار افراد یا اصل کرامت انسانی به عنوان مبنایی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد به شمار می‌آید. در همین راستا از طرف دیگر واکنش‌های آن معمولاً غیرقابل انعطاف، نامطلوب و ناخوشایند می‌باشد. لکن چون دست‌کم بر مبنای ضرورت، وجود حقوق کیفری در راستای تعیین حدود و ثغور آزادی‌های افراد و حیطه‌های عمل آزادانه بر اساس اصل «حداقلی بودن حقوق کیفری» تاکنون پذیرفته شده است؛ زیرا حقوق کیفری وظیفه تعیین مرز ممنوعیت‌ها را دارد و از آن‌جا که ممنوعیت نیاز به دلیل دارد. دیگر این که این اقدامات کیفری در بیان ممنوعیت‌ها و تحمیل پاسخ‌ها در راستای حمایت از ارزش‌ها و اموری هستند که برای جامعه یا حکومت‌ها دارای اهمیت هستند (الهام و برهانی، ۱۳۹۶: ۱۷). برخی نیز در بیان ضرورت حقوق کیفری معتقدند می‌بایست در برابر رفتار مخل نظم اجتماعی یا اصطلاحاً رفتار ضداجتماعی، واکنش مناسبی داشت. همچنین اشاره می‌کنند به دلیل این که برخی افراد خود را ملزم به رعایت قواعد زندگی اجتماعی نمی‌دانند و با رفتارهای خود نتایج زیان باری را به بار می‌آورند؛ در نتیجه حقوق کیفری و قانون‌گذار کیفری باید با هر رفتار ضداجتماعی مناسب با میزان و شدت حساسیت آن، برای آن کیفرگذاری نماید (اردبیلی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۶-۲۷).

لازمه اثربخشی نسبی و حداقلی بودن مداخله کیفری این است؛ حق یا ارزش مورد حمایت، از مقبولیت کافی برخوردار باشد. مداخله در این موارد ممکن است محدود و مقید به یک دوره زمانی باشد به طوری که در مقاطع خاصی دخالت کیفری ممکن است موجه باشد و پس از رفع موجبات و مقتضیات آن، بلامحل و ناموجه شود. گاهی اوقات نظام عدالت کیفری رفتاری را جرم‌انگاری نماید که هیچ‌گونه مغایرتی با ارزش‌ها نداشته باشد یا حداقل مغایرت آن محدود به زمان خاصی باشد که پس از مدتی با برطرف شدن مفاسد و آثار آن برخورد نظام عدالت کیفری با آن تغییر کند. در این موقعیت‌ها ممکن است نظام عدالت کیفری ابتدا به خاطر مصالح و حفظ ارزش‌های بالاتر و پیشگیری از مفاسد احتمالی ناچار به مداخله

درون و میان کارگزاری‌هایی که این نظام را تشکیل می‌دهند» (گسن، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۳۳)؛ و یا به بیان ساده‌تر مداخله کیفری به معنای «مجموعه اصول، قواعد، رویه‌های پلیسی و قضایی و نهادهایی است که به یاری یکدیگر، در جهت مبارزه با جرم اقدام می‌کنند. چرخ‌های اصلی این نظام ضامن حقوق و آیین دادرسی کیفری، تشکیلات قضایی و واحدهای مختلف پلیس است». در معنای اول، تمرکز در مداخله کیفری بر جرم‌انگاری است که متضمن پاسخ کیفری است. آن‌گاه که نهادهای قانون‌گذار و مجریان عدالت کیفری در اعمال و اجری قوانین و مقررات کیفری از منظر نهادی و سازمان کیفری مورد تحلیل قرار می‌گیرد، بامعنای موسعی از مداخله مواجه هستیم؛ بنابراین در تبیین معانی مضیق و موسع مداخله کیفری می‌شود این‌گونه بیان نمود: هرگاه مداخله کیفری را در وسعت توجیه فردی مداخله کیفری پذیرفتیم، به معنای مضیق آن مراجعه نموده‌ایم و هرگاه مداخله کیفری را در وسعت توجیه اداری- نهادی قبول نماییم، به معنای وسیع‌تر آن را مدنظر داریم (روستایی و محمودی جانکی، ۱۳۹۲: ۳۵-۶۶). در این مقاله، مفهوم موسع مدنظر است؛ زیرا فراتر از جرم‌انگاری ما با دخالت‌هایی در زمینه ارز به‌ویژه «قاچاق» آن روبرو هستیم که درک آن‌ها برای فهم درست‌تر مبنای مداخله و نقد آن‌ها ضرورت دارد.

اگر هدف غایی نظام حقوقی، حفاظت و صیانت از نظم عمومی یا نظم مدنی باشد؛ نظام حقوقی در این معنا ضمن ایجاد ساختارهای ایمن و پیشگیری و مراقبت از اصول بنیادین سایر نظامات اجتماعی از قبیل اقتصاد، فرهنگ، سیاست، بهداشت و سلامت و...، در صورتی که رفتاری موجب تهدید در کارکرد این اصول گردد، درصدد است براساس توجیهی معقول نسبت به ایجاد تعادل و بازگرداندن نظم و صیانت از حق‌ها اقدام و مداخله نماید. حقوق کیفری از طریق مداخله‌های کیفری درصدد صیانت از همین نظم عمومی یا مدنی است چه با رویکردی مبتنی بر عدالت (سزاگرایی) یا بر پایه اهداف نتیجه‌گرایانه و یا تلفیقی از این دو یا هر مبنای توجیهی معقول و قابل قبول دیگر، البته مادام که از مقبولیت لازم برخوردار باشد.

قوانین و مقررات به منظور وارد یا خارج کردن کالا یا ارز، انجام دهند».

با اینکه در این تعریف، صراحتاً رفتارهایی مانند حمل و نگهداری داخل تعریف قرار نگرفته‌اند، برخی بر این باورند با توجه رأی وحدت رویه ۳۰۶۷ مورخ ۱۳۳۹/۷/۱۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۱ این نوع رفتارها نیز جزو تعریف هستند (احمدی، ۱۳۸۲: ۴۲). در مقابل برخی دیگر با استناد به رأی وحدت رویه ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱^۲ و نیز رأی وحدت رویه ۷۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۵/۵^۳، قاچاق را منحصر در

گردد اما پس از گذشت مدتی از زمان و برطرف شدن آن مفاصد احتمالی، اقدام به جرم‌زدایی نماید (روستایی و محمودی جانکی، ۱۳۹۲: ۶۶-۳۵).

درک ارزش مورد حمایت، نقش اساسی در نوع حمایت، اعم از کیفری و غیرکیفری، دارد گرچه توجیه هر نوع مداخله رسمی محدود و منحصر به اهمیت و نوع ارزش نیست بلکه وجود شروط و شرایط دیگری نیز ضرورت دارد که در ادامه مباحث به آن‌ها اشاره خواهد شد. مداخله نا به‌جا نتایج زیان‌بار و ناعادلانه‌ای هم‌چون محدود نمودن آزادی انسان‌ها، از بین بردن کرامت انسانی اشخاص و بی‌اعتمادی به نظام حکمرانی و به‌ویژه نظام حقوقی حاکم بر جامعه را به دنبال خواهد داشت.

۱-۲- قاچاق ارز

در حقوق کیفری ایران تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ که آخرین اصلاحات آن در ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ انجام شد، واژه قاچاق تعریف نشده بود. حتی در قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ نیز که کامل‌ترین متن در این خصوص تا آن زمان بود، و نیز در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تعریفی از قاچاق ارائه نشد و به ذکر مصادیق آن اکتفا شد. در ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ صرفاً مقصود قانون‌گذار از قاچاق اسلحه و قاچاق اشیا ممنوع‌الصدور و ممنوع‌الورود بیان شده بود که بیانی ناکامل از قاچاق است. در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ در تعریف قاچاق کالا و ارز مقرر شده است که «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز گردد و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود». بند (ت) همین ماده تشریفات قانونی را چنین تعریف کرده است: «اقداماتی از قبیل تشریفات گمرکی و بانکی، اخذ مجوزهای لازم و ارائه به مراجع ذی‌ربط است که اشخاص موظف هستند طبق

۱- قسمت اخیر ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق هریک از اقدامات ذیل:
۱- خارج کردن اشیا ممنوع‌الصدور ۲- تسلیم آن به متصدی حمل‌ونقل و یا هر شخص دیگر برای خارج کردن ۳- هر نوع اقدام دیگر برای خارج کردن طلا از مملکت را به‌تنهایی، ارتکاب قاچاق اشیا ممنوع‌الصدور دانسته است علی‌هذا با احراز قصد متهم به خارج کردن طلا از مملکت هرگونه اقدامی که برای عملی کردن آن انجام داده باشد مشمول موارد سه‌گانه فوق‌الذکر بوده و بزه قاچاق طلا به‌طور کامل انجام‌یافته تلقی می‌گردد و حکم شعبه دوم دیوان عالی کشور در این مورد که منطبق با موازین قانونی فوق‌الذکر می‌باشد به‌طور صحیح صادر شده است. این رأی به‌موجب قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۲- چون ماده ۴۵ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ که مقصود از قاچاق اسلحه را واردکردن به مملکت و یا صادرکردن از آن یا خریدوفروش و یا حمل‌ونقل و یا مخفی کردن و نگاه‌داشتن آن در داخل مملکت عنوان کرده بود، طبق ماده ۲۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۰۷ لغو گردیده و در ماده یک این قانون قاچاق سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل واردکردن آن‌ها به کشور یا خارج نمودن آن‌ها از کشور به‌طور غیرمجاز تعریف شده است، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور خریدوفروش، حمل‌ونقل، مخفی کردن و نگاه‌داشتن سلاح، مهمات، اقلام و مواد تحت کنترل به‌طور غیرمجاز از شمول عنوان قاچاق خارج و رسیدگی به این جرائم در صلاحیت دادگاه عمومی است. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری صادر شده و برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

۳- هرچند تجهیزات دریافت از ماهواره طبق تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ از مصادیق کالای ممنوع است، لکن نگهداری آن فی‌حده‌ذاته اگرچه عملی مجرمانه و مستوجب مجازات است، ولی با توجه به معنای خاص قاچاق به شرحی که در بند الف ماده ۱ قانون مورد اشاره آمده و تمیزی که قانون‌گذار بین عناوین مذکور در قانون یادشده قائل شده است، داخل در عنوان قاچاق نبوده و به همین جهت از حیث صلاحیت دادگاه، مشمول حکم مقرر در ماده ۴۴ آن قانون نمی‌باشد. بر این اساس، رأی شعبه سیزدهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی

اصول حاکم بر یک نظریه کیفری است که نمی‌تواند دست‌کم به‌طور سلیبی روشن کند که چه رفتارهایی نمی‌توانند جرم محسوب شوند. آن‌چه به‌عنوان مبانی مداخله کیفری بیان شده یا می‌شود، بیش از توجیه اصل مداخله رسمی را باز نمی‌نماید. حال آن‌که ما انتظار داریم مبانی مداخله، دست‌کم حدود دخالت کیفری را از غیرکیفری روشن نماید. مراد از تعیین حدود، به‌روشنی تحدید ثبتي نیست که امری نشدنی است بلکه فضا و قلمرو حقوق کیفری با علاوه بر قانون فوق، سیاست‌گذاری‌های ارزی و دخالت‌های نوبه‌ای در این زمینه یک سیاست جنایی مداخله‌گر در حوزه ارز را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، هرچند بررسی قوانین جاری در زمینه قاچاق کالا و ارز نشان می‌دهد که قانون‌گذار از هر دو وصف «جرم» و «تخلف» برای عنوان سازی و مداخله استفاده کرده است که بنا بر قاعده باید نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به مرزبندی میان تخلف و جرم و پای‌بندی به نتایج آن باشد، ماهیت برخی از تخلفات به‌شدت یا حتی شدیدتر از برخی عنوان‌های مجرمانه است و نوع پاسخ‌های ارائه‌شده به تخلفات گاهی از پاسخ‌های کیفری شدیدتر هستند و یا هم‌تراز آن‌ها هستند. ماده ۴۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی به‌خوبی دلالت بر این دارد که حتی در موارد تخلفاتی نیز برخی اقدامات کیفری مانند صدور قرار تأمین، توقیف کالا یا ارز قاچاق و پلمپ محل نگهداری اعمال می‌شوند. بنابراین، واگذاری اختیار رسیدگی به نهادی غیرکیفری مانند تعزیرات حکومتی با هر نهاد دیگری به‌تنهایی موجبی برای غیرکیفری خواندن ماهیت آن اقدامات و تدابیر نیست؛ به همین دلیل است که دیوان اروپایی حقوق بشر با خلق مفهوم «قلمرو کیفری» بر این نظر بوده است که تخلفات انضباطی و اداری الزاماً غیرکیفری و خارج از شمول ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیستند. در این رأی، شدت تخلف و پاسخ‌هایی که به رفتار ارتكابی داده می‌شود، ملاک اتخاذ نظر دیوان بوده است (مارتی، ۱۳۹۵: ۹۳-۱۰۵؛ یوسفی و مهدوی ثابت، ۱۳۹۴)؛ لذا در بحث از مبانی یا دلایل مداخله کیفری باید به هر دو سوی جرم و تخلف توجه کرد.

ورود و خروج خارج از تشریفات قانونی دانسته و سایر رفتارها مانند عرضه و فروش، حمل و نگهداری را مشمول عنوان قاچاق نمی‌دانند. مهم‌ترین استدلال بر این نظر این است که اگر رفتارهای فوق را داخل در قاچاق ندانیم، حمل و نگهداری قاچاق مجاز و مجاز مشروط برابر ماده ۴۴ قانون فوق‌الذکر وصف مجرمانه می‌گیرند حال آن‌که مشمول قاچاق باشند، تخلف محسوب می‌شوند (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۳۰).

هرچند نظر اخیر براساس استدلال ارائه‌شده با تفسیر مضیق به نفع متهم سازگارتر است و با اصل حداقلی بودن حقوق کیفری نیز سازگارتر است، مواد متعددی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی وجود دارد که نشان می‌دهد قانون‌گذار در اصلاحات بعدی تلاش کرده به نحوی برخی از این رفتارها را از قاچاق متمایز و مشمول تخلف بداند. ماده ۱۸ الحاقی ۱۳۹۴/۷/۲۱ و تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱۸ در همین تاریخ دلالت بر این ادعا دارد. به موجب ماده ۱۸ مکرر مزبور «نگهداری، عرضه یا فروش کالا و ارز قاچاق موضوع ماده (۱۸) این قانون حسب مورد توسط واحدهای صنفی یا صرافی‌ها تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالا و ارز...» جریمه می‌شود. به‌موجب تبصره ۴ (الحاقی ۲۱/ ۷/ ۱۳۹۴) نیز «خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهایی که موضوع قاچاق قرار می‌گیرند به‌صورت تجاری مانند فرآورده‌های نفتی و دارویی خارج از ضوابط تعیینی دولت تخلف محسوب و مرتکب علاوه بر ضبط کالای مزبور حسب مورد به حداقل جریمه نقدی مقرر در این ماده محکوم می‌شود».

در این مقاله بحث در درستی یا نادرستی یکی از دو نظر نیست. آن‌چه اهمیت دارد این است که قانون‌گذار ایران چه در قالب جرم‌انگاری و چه تخلف‌انگاری، در حوزه ارز دخالت‌های گسترده نموده است. ایراد اساسی البته این است که در سیاست اتخاذی، مرزهای روشنی میان جرم و تخلف وجود ندارد. مهم‌ترین دلیل برای این ابهام در قلمرو و نامعین بودن مرزهای دخالت کیفری از غیرکیفری، فقدان مبانی و

۲- توجیه جرم‌انگاری قاچاق ارز بر اساس اصل ضرر

حقوقدانان و نویسندگان حقوقی در زمینه مبانی جرم‌انگاری قاچاق ارز تبیین‌های متفاوتی دارند و از زوایای گوناگونی به این موضوع می‌پردازند. در این‌جا از دو زاویه از حیث جرم‌انگاری و کیفرگذاری به تبیین مبانی نظری قاچاق ارز پرداخته خواهد شد. «زیرا اجبار یک فرد به انجام کاری همواره نیازمند توجیهی اخلاقی در خصوص چرایی موجه بودن اجبار توسط فرد است. این توجیهات در زندگی اجتماعی همواره با مفهوم قانون و مجازات گره‌خورده است» (امامی آرندی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۷۳). «از آن‌جا که هرکشوری دارای نظام‌های سیاسی و اقتصادی متفاوتی هستند، نوع نگاهی که از سوی نظام سیاسی و به تبع آن، حقوق‌کیفری به جامعه و ارائه می‌گردد، تصمیم‌گیری درباره جرم و مجازات را هدایت می‌کند. در شرایطی ممکن است که رفتاری جرم تلقی شود و در شرایط دیگر فاقد وصف مجرمانه باشد. حتی ممکن است در یک نظام سیاسی، برخوردهای شدیدی با یک رفتار شود، ولی در یک نظام سیاسی دیگر، ارتکاب همان رفتار منجر به واکنش‌های غیرکیفری گردد. این امر باعث می‌شود که سیاست‌گذاری درخصوص جرم‌انگاری در طیفی از رویکردهای کاملاً فردی تا رویکردهای امنیت‌گرایانه قرار گیرد و مبنای برخورد با آن نیز در یک خط‌کشی با دو سوی پیامدگرا و سزاگرا، ترسیم گردد» (زراعت، ۱۳۹۵: ۴؛ همتی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). از این‌رو، فراتر از استدلال‌های اخلاقی و سیاسی، نگرش‌های اقتصادی و اجتماعی به دخالت در بازار ارز به‌عنوان یکی از حوزه‌های مهم زندگی کنونی ما، در تبیین یا توجیه مداخله‌های کیفری اهمیت بسیار دارد. در توجیه مداخله‌های دولت و ازجمله مداخله‌کیفری در بیشتر نظام‌های کیفری به اصل ضرر استناد می‌شود. هرچند بن‌مایه‌های این اصل بر مبانی نظری و فلسفی به‌ویژه فلسفه سیاسی لیبرال استوار است که در نظام حقوقی انگلیسی-آمریکایی مورد استناد بسیار قرار گرفته است، به دلیل استناد پذیری و قابلیت بالایی که در توجیه بخش مهمی از ممنوعیت‌های رسمی دارد، به‌تدریج در سایر نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. در حقوق ما بیشتر براساس قاعده‌لاضرر که البته مبنا و حدود متفاوتی دارد، برای منع

ایراد ضرر به دیگری استناد بسیار شده است. اصل ضرر چه به‌مثابه تنها اصل توجیه‌کننده مداخله‌های دولت باشد چه به‌عنوان مهم‌ترین اصل، «معمولاً مهم‌ترین دلیل در حمایت از قانون‌گذاری کیفری است که احتمالاً در پیشگیری (حذف یا کاهش) ضرر به دیگران، غیر از خود مرتکب، مؤثر است و احتمالاً راه دیگری که اثری همسان ولی نه با هزینه‌های بیشتر برای سایر ارزش‌ها داشته باشد، وجود نداشته باشد» (Feinberg, 1984: 26).

ضرر را فاینبرگ به پس زدن منافع تعریف می‌کند (Feinberg, 1984: 33)؛ که اعم از تفویت منافع است بلکه سد کردن راه تحقق منفعت را هم پوشش می‌دهد. با توجه به این‌که ضرر مفهومی منفعت محور است، بررسی ضرر و زبانی که می‌تواند از دخالت‌ها و اقدامات اشخاص در حوزه ارز به بار آید، برای درک مبانی احتمالی دخالت دولت در این حوزه کمک‌کار است. البته نباید فراموش کرد که احراز ایراد زیان ناشی از برخی رفتارها به دیگران، مستلزم موجه بودن جرم‌انگاری نیست. زیرا ایراد زیان مشروط به شرایط دیگری می‌تواند موجهی برای جرم‌انگاری شود، ازجمله این‌که زیان شدید باشد و دیگر این‌که سایر راه‌حل‌ها برای پیشگیری از آن با هزینه‌ای برابر یا کمتر از جرم‌انگاری در دسترس نباشد.

با توجه به ماهیت مداخله‌های کیفری در زمینه قاچاق ارز، صرف‌نظر از درستی سیاست اقتصادی اتخاذی در این زمینه که می‌تواند بر مشروعیت و توجیه مداخله‌های کیفری نیز اثر بگذارد، هیچ اصل و قاعده دیگری جز پیشگیری از زیان به دیگری نمی‌تواند امکان یا احتمال جرم‌انگاری در حوزه ارز را توجیه کند. البته همان‌طور که اشاره شد متضرر از دست کاری یا مداخله در حوزه ارز ضرورتاً اشخاص به‌تنهایی نیستند همان‌طور که این ضررها محدود به زیان اقتصادی نبوده بلکه بر پایه رویکرد سیاسی و امنیتی نیز این مداخله‌ها قابل توضیح است هرچند ممکن است موجه یا مشروع نباشند به این دلیل که همه ضوابط را در این خصوص رعایت نشده باشند.

۲-۱- زیان اقتصادی و عوامل و نهادهای مؤثر بر آن

پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور یکی از مهم‌ترین موضوعات مهم سیاستی و حاکمیتی است و در این راستا زیربنای رشد، پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور، وجود امنیت اقتصادی در آن است. امنیتی که هم عاملین و فعالین اقتصادی و هم برای شهروندان عادی بسیار حائز اهمیت است. زیرا رفاه و زندگی همگی در اثر ناامنی اقتصادی متأثر خواهد شد. ناامنی اقتصادی به‌حسب نوع نظام‌های اقتصادی حاکم بر هر کشور و سیاست‌های ناظر به آن متفاوت است. امنیت اقتصادی در یک نظام اقتصادی آزاد متفاوت از نظام دولتی است؛ زیرا، مناسبات اقتصادی و نقش دولت در بازار و اقتصاد در این دو نظام یکسان نیست. از آنجایی که اقتصاد ایران دست‌کم پس از انقلاب همواره دولتی بوده و حکومت فراتر از نقش حاکمیتی و تنظیم‌گری، تصدی‌گری بسیاری در این زمینه داشته است و خود را متولی آن دانسته است. بازار ارز نیز یکی از وجوه این نظام اقتصادی بوده که همیشه چنین مداخلات گسترده‌ای را تجربه کرده است (عبادی و جهانگرد، ۱۳۹۱؛ طباطبایی نسب و افشاری، ۱۳۹۱)؛ از این‌رو، نظم حاکم یا قابل‌انتظار بر هر یک از این دو نظام به شیوه‌ها، اقدامات یا حوادث گوناگون ممکن است بر هم بخورد یا از آن‌ها متأثر شود به‌گونه‌ای که بر سایر وجوه نظام اقتصادی یا اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود.

تجربه سال‌های گذشته در ایران نشان می‌دهد که هرگاه ناامنی اقتصادی ایجاد شود، تمایل افراد برای خرید دارایی‌های خارجی، چه دارایی‌های منقول و چه دارایی‌های غیرمنقول افزایش می‌یابد. لذا در حوزه ارزی نیز منجر به افزایش شدید خرید و فروش ارزهای خارجی می‌شود که این امر یک نتیجه قطعی و غیرقابل‌کنترلی دارد و آن کاهش ارزش پول ملی است. تعابیر مختلفی برای بحران ارزی وجود دارد اما در مجموع می‌توان گفت، بحران ارزی به‌صورت حمله سوداگری به ارزش پول داخلی تعریف می‌شود که ممکن است منجر به کاهش شدید ارزش پول داخلی یا حمایت قوی مسؤولان پولی از ارزش پول داخلی از طریق فروش ذخایر ارزی یا افزایش نرخ بهره داخلی گردد (امراللهی بیوکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱-۲۴؛ به نقل از

Weymark, 1995). قدرت تأثیر تغییرات نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی هم نقش کلیدی در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصاد کلان ایفا می‌کند. بنابراین درک فشار بازار ارز در جهت مدیریت مؤثر اقتصاد کلان، به‌ویژه برای اقتصادهای درحال توسعه بسیار مهم است (امراللهی بیوکی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱-۲۴؛ به نقل از Weymark, 1995). ناامنی اقتصادی ممکن است علاوه بر این که ناشی از سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی است، بر اثر اقدامات و دخالت‌های عمدی اشخاص در بازار ارز رخ دهد که به نتایج زیان‌باری مانند اتلاف منابع راهبردی ارزی کشور، افزایش فرار سرمایه، تأثیر سو بر فضای کسب‌وکار، برهم خوردن امنیت تجاری و کاهش انگیزه فعالان اقتصادی، کاهش میزان شفافیت فعالیت‌های تجاری، افزایش پول‌شویی در پی خواهد داشت (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). با کاهش ارزش پول ملی فعالین اقتصادی اعم از تجار و تولیدکنندگان دچار ضررهای سهمگین و حتی جبران‌ناپذیری خواهند شد که به‌تبع آن نتایج زیان‌بار اجتماعی را نیز به دنبال خواهد داشت. در این زمینه در سال‌های اخیر در رسانه‌ها شاهد ورشکستگی بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ کشور در حوزه‌های مختلف بوده‌ایم که تحت تأثیر این موضوع نتایج تأسف‌باری را به دنبال داشته است. از طرف دیگر این موضوع کنش‌ها و اعتراضات اجتماعی را نیز به دنبال دارد که متأسفانه هزینه‌های زیادی را نیز برای حاکمیت و دولت‌ها ایجاد می‌نماید. نتیجه دیگر ارتکاب و شیوع جرایم اقتصادی این است که نه‌تنها در فعالین اقتصادی بلکه در بین توده مردم نیز ایجاد احساس ناامنی پدید خواهد آمد. به‌ویژه جرایم ارزی در این زمینه بسیار حائز اهمیت هستند. زیرا مستقیماً منابع ارزی کشور را تهدید می‌کند (مجاهد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۲۲).

البته زیان‌های احتمالی ناشی از اخلال در حوزه ارز، صرفاً ناشی از اقدامات اشخاص نیست بلکه همان‌طور که اشاره شد سیاست‌ها، برنامه‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر و مجری همگی خود می‌توانند عامل یا ازجمله عوامل مؤثر بر این زیان و باشند. لذا وقتی سخن از مداخله کیفری می‌شود، نباید تنها به زیان ناشی از مداخله اشخاص خارج از حاکمیت توجه نمود

درکنار سیاست‌گذاری، عامل دیگری که در امنیت اقتصادی بسیار تأثیرگذار است، قوانین و مقررات است. از آن‌جا که نظام حقوقی ایران بر مبنای حقوق نوشته است، هر رفتار و اقدامی از سوی عوامل اقتصادی باید مطابق با متون (اعم از قانون و مقررات) باشد و یا به تعبیر دقیق‌تر با متون مغایرت و تضاد نداشته باشد. لذا عوامل اقتصادی همواره سعی می‌کنند از متون موجود در حوزه‌کاری خود مطلع باشند که برنامه‌های مالی و کسب‌وکار خود را مطابق با متون طرح ریزی نمایند. گفتمانی است در این زمینه تنظیم‌گران و حتی قانون‌گذاران، اقداماتی را نیز انجام دهند لکن این امر تنها کافی نیست زیرا مشکل دیگری که در این زمینه وجود دارد، درجه شفافیت، ثبات و تناسب متون با اوضاع اقتصادی می‌باشد؛ بنابراین قوانین و مقررات خود به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در سطح امنیت اقتصادی به شمار می‌آیند. به عنوان مثال در حوزه‌های قوانین و مقررات در حوزه تجارت داخلی می‌بایست قوانین جامع و شفاف وجود داشته باشد که سازوکارهای قانونی لازم برای نظارت و حسابرسی بنگاه‌های اقتصادی، نحوه برخورد با ورشکستگی (به‌عنوان یک عامل نامنی اقتصادی) و سایر تمهیدات لازم اندیشیده شده باشد. هم‌چنین نامنی اقتصادی باعث افزایش هزینه‌های تجارت خارجی و کاهش توان رقابتی صادرکنندگان می‌باشد.

خود سیاست‌ها و قوانین گاهی عامل اصلی اختلال در نظم بازار ارزاند. یا به دلیل ماهیت نظام اقتصاد دولتی و یا به دلیل محدودیت‌هایی که به دلیل تحریم و روابط خارجی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. از این‌رو، مداخله‌کیفری برای تنظیم این حوزه با تحمیل و تحدید بر اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرعمومی نوعی تبدیل مسأله به شبه مسأله و فرار از مسؤولیت‌های رسمی در این خصوص است. در این میان، مداخله‌های کیفری پوشش مناسبی برای ناتوانی رسمی در این زمینه است.

افزون بر این، نهادهای مالی از قبیل بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی و امثالهم، مهم‌ترین اعضا و بازیگران در عرصه اقتصادی هستند که عملکرد آنان در این حوزه می‌تواند زیان‌بار باشد چه بر

بلکه زیان ناشی از فعالیت حاکمیتی می‌تواند در زمره جرایم حکومتی قرار گیرد که در حقوق کیفری ایران به دلایل گوناگون به آن‌ها توجه کافی نشده است (شیری و جعفرپور صادق، ۱۴۰۰: ۳۴۵-۳۷۱؛ شیری و جعفرپور صادق ۱۴۰۰: ۱۴۵-۱۶۵؛ غلامی، ۱۴۰۱: ۲۶۱-۲۳۷).

نهادهای سیاست‌گذار و تنظیم‌گر نقش و تأثیر اساسی و کلیدی در این خصوص دارند زیرا تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری با دخالت و نظارت مستقیم آن‌ها انجام می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص، بانک مرکزی و قوه مجریه به‌طور عام هستند. سیاست‌های اتخاذی در زمینه اقتصاد و ارز مانند هر موضوع دیگری باید با ماهیت فعالیت اقتصادی و نظام اقتصادی سازگار، قابل‌محاسبه و کمی باشد. زیرا سیاست‌های صرفاً کلی و کیفی نه قابلیت اجرا دارند و نه قابلیت پیگیری. لذا سیاست‌گذاران می‌بایست به نحوی سیاست‌گذاری نمایند که هم برای خودشان هم برای مجریان و هم برای ناظران قابل ارزیابی و راستی‌آزمایی باشد. از طرف دیگر در این زمینه اقدام دیگری که سیاست‌گذاران می‌بایست انجام دهند آن است که اطلاعات آن را در دسترس قرار داده و هم‌چنین دارای جامعیت کافی باشد (عزتی دهقان، ۱۳۸۷: ۱۴-۲۱).

ارز یکی از بازیگران اصلی در مبادلات بین‌المللی است. زیرا در تبادلات اقتصادی بین‌المللی اصلی‌ترین عاملی است که حتی غالباً نقشی تعیین‌کننده در نوع قراردادهای طرفین را ایفا می‌کند. لذا است که معمولاً موضوعی چالش‌برانگیز است. چه آن‌که نوع ارز و نحوه انتقال آن در قراردادهای همواره از مهم‌ترین موضوعاتی است که طرفین باید به توافق برسند. به‌ویژه وقتی یکی از طرفین قرارداد ایرانی باشد یا به نحوی محل انتقال ثمن معامله به ایران مربوط باشد. در این زمینه سیاست‌گذاری دولت بسیار سرنوشت‌ساز و حیاتی است. چراکه همان‌گونه که اشاره شد اقتصاد ایران به ارز خارجی گره‌خورده است، به همین دلیل «میزان» و «نحوه» عرضه و تقاضای ارز در بازار به‌صورت مستقیم در نظام اقتصادی کشور تأثیر دارد.

امنیتی مورد توجه بوده است. ولی بعد از پایان یافتن جنگ سرد دیگر اولویت‌های امنیتی و نظامی تبدیل به تهدیدات اقتصادی شد (عزتی و دهقان، ۱۳۸۷: ۷). ایران از آنجایی که به‌خاطر شرایط سیاسی و اقتصادی، وابستگی شدیدی به صادرات و واردات دارد، نظام ارزی کشور آن یک اهمیت سیاسی و امنیتی ویژه‌ای می‌یابد. از طرفی کشورهای متخاصم در یک نبرد اقتصادی سعی در مداخله در بازار ارزی در جهت تضعیف نظام ارزی کشور را دارند. از طرفی نوسانات شدید ارزی، جذابیت زیادی برای سودجویان ایجاد می‌نماید تا به بی‌نظمی و آشفتگی ارزی دامن زنند.

جرم قاچاق ارز از جمله جرایم ارزی، مشابه جرم قاچاق کالا، یک جرم فراملی است. زیرا مرزهای بین‌المللی را می‌شکند و برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه دولت‌ها و حکومت‌ها را از بین برده و در نهایت خطرات اقتصادی سترگی را علیه قدرت و نظام سیاسی کشور پدید می‌آورد. از سوی دیگر قربانیان این‌گونه جرائم کل جامعه اعم از دولت و ملت هستند. در حالی که معمولاً جامعه نسبت به این جرایم نه‌تنها حساسیتی نشان نمی‌دهد. زیرا اولاً جامعه آثار آن را درک نمی‌کند و غالباً بدون هیچ خشونت است. دیگر این که انجام این جرائم نوعی تهور و شهامت محلی و عرفی را به همراه دارد. مرتکبین این جرائم نیز غالباً یا از زمره جرائم دولتی است یا توسط یقه‌سفیدها انجام می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۱۷).

از دیگر زیان‌های ناشی از ارتکاب رفتارهای برهم زنده نظم بازار ارز، تداعی ضعف اقتدار و توانایی حکمرانی سیاسی، شکنندگی نظم اقتصادی، افزایش رانت‌خواری، شکل‌گیری باندهای فساد و مافیایی در این حوزه و گسترش نارضایتی عمومی و صنفی است (اجتهادی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اساس زیان‌های وارد در این زمینه در واقع از نوع نظام اقتصادی و سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین حاکم بر آن ناشی می‌شود تا اقدامات اشخاص که به‌صورت مقطعی و نوبه‌ای رخ می‌دهند. زیرا، ناتوانی نظام حکمرانی در برقراری ثبات اقتصادی، قابل پیش‌بینی بودن آن و نیز شفافیت موجب می‌شود که همواره زمینه و شرایطی برای دخالت در بازار ارز فراهم شود. ظاهراً چنین وانمود

نظم اقتصادی به‌طور کلی و چه بر فعالیت فعالان کسب‌وکار. چراکه وظیفه این نهادها در وهله اول توسعه منابع مالی در مسیر حمایت از رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد. لذا در صورتی که این نهادها در این زمینه موفق نباشند مخاطرات زیان‌باری را برای اقتصاد کشور به بار خواهند آورد.

وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارت دولتی، اتحادیه و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و اصناف از دیگر عوامل اصلی هستند که وظیفه اصلی این نهادها، تنظیم‌گری، نظارت و هم‌حمایت و پشتیبانی را بر عهده‌دارند. در صورتی که نهادهای اداری و اجرایی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های ارزی ناتوان باشند یا این که سیاست‌ها و برنامه‌های نادرست را اجرا کنند، شاهد آشفتگی و اختلال در امور ارزی شده و در نتیجه عوامل اقتصادی (تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران) نیز انگیزه خود را از دست خواهند داد.

در سال‌های اخیر، به دلیل دخالت دادن بسیار زیاد نظام قضایی برای تنظیم بازار و کنترل وضعیت نامطلوب اقتصادی، محاکم قضایی خود به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران در ایجاد و یا نابودی امنیت اقتصادی نقش ایفا کرده‌اند. قضایی کردن مسائل اقتصادی و تلاش برای کنترل نظام اقتصادی از طریق حقوق کیفری به ایجاد شعب ویژه، خارج کردن پرونده‌های مهم اقتصادی از شمول قانون آیین دادرسی کیفری و رسیدگی قضایی توسط قضات کیفری که اصولاً کمترین شناخت را از نظم اقتصادی و موضوعات ارزی و منطبق بازار ارز دارند، خود به یکی از عوامل آسیب‌زا در این حوزه بدل شده است تا جایی که برخی برخوردهای بی‌ضابطه و نامناسب یا عملکرد خارج از چارچوب قانونی منجر به ایجاد حس ناامنی برای سرمایه‌گذاران و فعالیت‌های قابل پیش‌بینی و حمایت‌پذیر در حوزه اقتصادی و ارز شده است (باوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱-۳۲؛ شعبانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۵-۱۱۵).

۲-۲- رویکرد سیاسی و امنیتی به آسیب‌ها

مهم‌ترین دغدغه و مسأله کشورها پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم (به‌خصوص طی دوران جنگ سرد) تا اواخر قرن بیستم، مسأله امنیت کشورها نسبت به تهدیدات نظامی و

احتمالی وارد بر نظام سیاسی و امنیتی کشور طراحی شده هستند».

با این‌همه، بنا بر دیدگاه متخصصان دست‌کاری و مداخله غیرقانونی در بازار ارز موجب ایراد زیان به دیگران اعم از کل جامعه (نظم عمومی) و اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌شود ولی این‌که ضرورتاً برای پیشگیری از این نوع زیان‌ها باید یا می‌توان مداخله‌کیفری را تجویز نمود، همواره جای شک و تردید بوده است. زیرا، همان‌طور که اشاره شد جرم‌انگاری به‌عنوان مهم‌ترین نوع مداخله موکول به وجود همه شرایط است و صرف زیان‌بار بودن رفتار کافی برای توجیه آن نیست و در غیر این صورت، بسیاری از مداخلات مقرر در حوزه مدنی نیز برای پیشگیری از ایراد ضرر به دیگری‌اند. شدت ضرر، مفیدبودن مداخله، نبود سایر راه‌حل‌های کم‌هزینه‌تر و در دسترس، ازجمله شروطاند. به‌عبارت‌دیگر، زیان‌بار بودن رفتار، شرط لازم است و نه کافی.

نتیجه‌گیری

حقوق کیفری ایران در بستر نظام اقتصادی دولتی در حوزه اقتصاد دخالت‌هایی کرده است که حوزه ارز هم از آن بی‌نصیب نبوده است. مشکلات اقتصادی در بستر چنین نظام اقتصادی، مدیریت دولتی و کم‌رنگ بودن بازار آزاد از سویی و مشکلات سیاسی و تحریمی از سوی دیگر سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را به‌سوی دخالت‌های دایمی گسترده و نوبه‌ای و مقطعی در حوزه ارز سوق داده است. از منظر توصیفی، جرم‌انگاری‌های کنونی و پاسخ‌های کیفری که به جرایم این حوزه به‌ویژه قاچاق ارز داده شده است از نظر تعریفی قلمرو گسترده‌ای از رفتارها را در برمی‌گیرد و از جهت پاسخ‌های کیفری نیز نوعی سیاست کیفری سخت‌گیرانه در پیش گرفته شده است به امید این‌که با توسل به قدرت قهرآمیز رسمی بتوانند کنترل ارز را در اختیار داشته باشند و نوسانات آن را دست‌کم با انتساب به رفتارهای مجرمانه اشخاص کنترل‌پذیر بدانند. بر این اساس، قاچاق ارز به توضیح و تعریفی که در قوانین جاری به‌ویژه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز پیش‌بینی شده است، به‌طور یک‌سویه ناظر به رفتار اشخاص است به‌گونه‌ای که اقدامات آنان را تا حد اخلاص عمده در نظام

می‌شود که زیان‌ها ناشی از چنین اقدامات مقطعی است، حال آن‌که ساختاری‌اند. زیان‌های سیاسی و امنیتی نیز از همین ساختار ناشی می‌شوند.

قانون‌گذار ما تلاش کرده است که به موضوع ارز همانند برخی دیگر از جرایم اقتصادی، وجه سیاسی-امنیتی بدهد. یعنی ارتکاب رفتارهایی اخلاص‌کننده در این بازار را اقدام علیه حکومت یا امنیت کشور بداند. شاهد مثال ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است که به‌موجب آن «در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به‌صورت انفرادی و یا سازمان‌یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹/۹/۱۳۶۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود». هم‌چنین به‌موجب ماده ۳۱ همین قانون «در صورتی که احراز شود مرتکب جرائم قاچاق کالا و ارز با علم و عمد، عواید و سود حاصل از این جرایم را به نحو مستقیم یا غیرمستقیم برای تأمین مالی تروریسم و اقدام علیه امنیت ملی و تقویت گروه‌های معاند با نظام اختصاص داده یا هزینه نموده است، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم می‌گردد». افزون بر این، چون در ماده ۵ این قانون تکلیف شده است که «سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدید مورد نیاز جهت نظارت بر فرایند واردات، صادرات، حمل، نگهداری و مبادله کالا و ارز را ایجاد و راه‌اندازی شوند، در تبصره ۳ ماده ۵ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز موظف شد که از طریق وزارت اطلاعات و با همکاری وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی (گمرک جمهوری اسلامی ایران)، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط به تهیه، اجراء و بهره‌برداری از سامانه شناسایی و مبارزه با کالای قاچاق اقدام نماید. همه این موارد دلالت بر این دارد که قانون‌گذار و سیاست قضایی ایران رویکردی سیاسی و امنیتی به موضوع هم داشته است و به همین دلیل مداخله‌های کیفری انجام شده با هدف پیشگیری از زیان‌های

منابع

الف. منابع فارسی

- اجتهادی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۶). «بزه‌انگاری در حوزه قاچاق کالا و ارز؛ مبانی و جلوه‌ها». رساله دکتری، به راهنمایی استاد محمد آشوری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدی، عبدالله (۱۳۹۴). حقوق کیفری قاچاق کالا و ارز. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- احمدی، عبدالله (۱۳۸۲). جرم قاچاق. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران: انتشارات میزان.
- امامی آرندی، حبیب (۱۳۹۲). «فرمانروایی سیاسی و معمای توجیه جرایم علیه دولت (نظریه‌ای در باب جرایم علیه دولت)». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۴ (۷): ۱۴۷-۱۷۳.
- امراللهی بیوکی، الهام و دیگران (۱۳۹۸). «تحلیل رفتار فشار بازار ارز در اقتصاد ایران: رویکرد مدل خودرگرسیون برداری آستانه‌ای (TVAR)». نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۱ (۲۱): ۱-۲۴.
- باوی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی». نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۶ (۴۳): ۱۱-۳۲.
- روستایی، مهرانگیز و محمودی‌جانکی، فیروز (۱۳۹۲). «توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲ (۳): ۳۵-۶۶.
- زراعت، عباس (۱۳۹۵). حقوق کیفری اقتصادی. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- شعبانی، مهدی و دیگران (۱۳۹۹). «چالش‌های مقابله با جرایم اقتصادی و راهکارها». فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۲ (۴): ۹۵-۱۱۵.
- شیری، عباس و جعفرپور، صادق (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی جرایم دولتی مبتنی بر قوانین غیرقانونی و فاقد مشروعیت».

اقتصادی تلقی می‌کند ولی سهم سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را در ایجاد تنش و نابسامانی ارزی نادیده گرفته است. با این رویکرد، رفتار اشخاص ثالث به‌عنوان رفتاری زیان‌بار علیه جامعه، اقتصاد، نظم سیاسی و امنیتی تلقی شده و تحت‌عنوان قاچاق ارز به محاکمه کشیده می‌شود، حال آن‌که نقش سیاست‌گذاران و نهادهای حکومتی و اقتصادی دولتی که در شکل‌گیری این رفتار مجرمانه مهم‌تر و اساسی‌تر است، مورد غفلت واقع می‌شود. زیرا، در اقتصاد دولتی، بازیگران اصلی ساختارها و نهادهای حکومتی تصمیم‌گیرند و اقدامات و رفتارهای اشخاص واکنشی به وضعیت ایجاد شده توسط نهادهای رسمی و موقعیتی است که به‌صورت مقطعی در آن قرار می‌گیرند. از این رو، اگر قاچاق ارز زیان‌بار توصیف شده است، این زیان تنها ناشی از اقدامات اشخاص نیست بلکه این نوع اقدامات اصولاً واکنشی است و جرم‌انگاری در سطح کنشی که ایجادکننده قاچاق ارز است، مهم‌تر و بنیادی‌تر است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان:

محمود ایثاری: جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله
فیروز محمودی‌جانکی: ارائه ایده و موضوع.
سیدمحمود مجیدی: معرفی منابع.
کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند

تشکر و قدردانی: لازم است از اساتید گرامی که در تدوین و ارائه انتقادات باعث غنای مقاله شدند، قدردانی نمایم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

- فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۱ (۲): ۳۴۵-۳۷۱.
- شیری، عباس و جعفرپور، صادق (۱۴۰۰). «بایسته‌های حاکم بر جرم‌انگاری جرایم دولتی در فرایند سیاست‌گذاری جنایی ایران». نشریه سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۴): ۱۴۵-۱۶۵.
- طباطبایی نسب، زهره و افشاری زهرا (۱۳۹۱). «برآورد میزان مداخله مستقیم مرکزی بانک ایران با رویکرد ارز». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۵ (۶۴): ۸۷-۱۱۴.
- عبادی، جعفر و جهانگرد، هاجر (۱۳۹۱). «الگوسازی مداخله ارزی در بازار ایران». مجله تحقیقات اقتصادی، ۱ (۳): ۳۳-۴۴.
- عزتی‌دهقانی، مرتضی (۱۳۸۷). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی). چاپ اول، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- غلامی، نبی‌اله (۱۴۰۱). «جرم حکومتی یا جرم دولتی: تفاوتی لفظی یا اختلافی مبنایی». نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۰ (۱۹): ۲۳۷-۲۶۱.
- فیروزمنش، افشین (۱۳۸۵). «نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصادی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد محمد فرجی‌ها، تهران: دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- گسن، ریموند (۱۳۷۴). جرم‌شناسی نظری. ترجمه مهدی کی‌نیا، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- مارتی، میری دلماس (۱۳۹۵). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان.
- مجاهد، رخشان و شمسایی، داود و محمودیان زاده، رامین و خلیل‌ارجمندی، مرتضی (۱۳۹۵). «بررسی ارتباط بین نقدینگی بر سودآوری در بانک‌های خصوصی منتخب پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار». نشریه مطالعات اقتصاد-مدیریت مالی و حسابداری، ۲ (۳): ۱۱۴-۱۲۲.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۷). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم). جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- همتی، محمدباقر (۱۳۹۴). تدابیر پیشگیرانه و مجازات در قانون مبارزه با پول‌شویی. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- یوسفی، محمدرضا و مهدوی‌ثابت، محمدعلی (۱۳۹۴). «بررسی قلمرو کیفری در ضمانت اجرای انفصال از خدمت در نظام حقوقی ایران». دانشنامه حقوق و سیاست، ۵ (۲۵): ۳۳-۴۴.